

انتقاد یک استاد دانشگاه از آمار بیکاری: دوره‌گردی، دستفروشی و زباله‌گردی شغل نیست

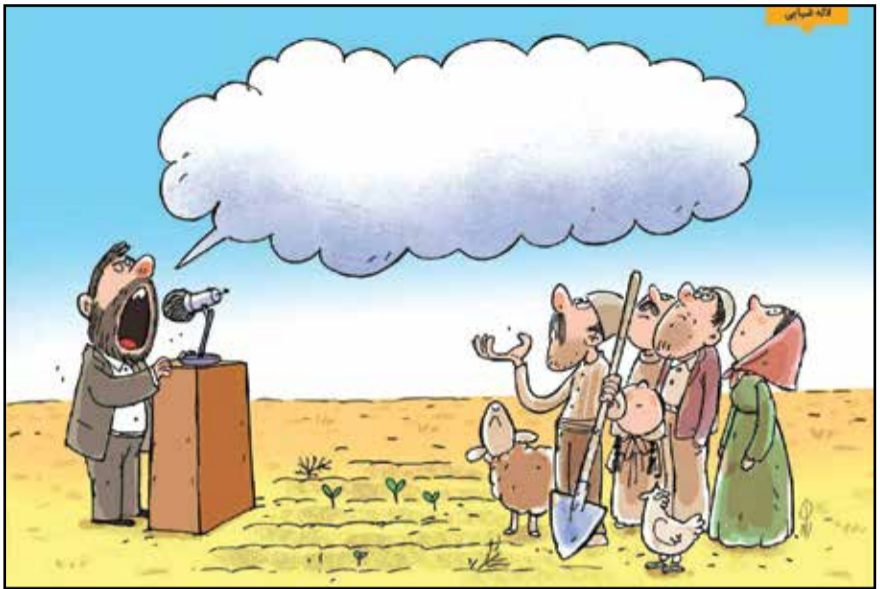
تغییر تعریف‌ها و مبنای آمار، مشکل بحرانی بازار کار در ایران را بر طرف نمی‌کند؛ این نکته‌ای است که عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس به آن اشاره دارد. مرتضی عزتی در گفت‌وگو با خبر آنلاین با اشاره به آخرین وضعیت بازار کار در ایران تأکید کرد: بهتر است دولت به جای تمرکز بر بازار کار و ارائه آمارهایی در خصوص بهبود وضعیت بیکاری، در باره وضعیت تولید در ایران گزارش دهد تا روشن شود حجم تولید ناخالص داخلی در ایران همچنان نسبت به جمعیت اندک است و سیاست‌های اجرایی در راستای تقویت بخش مولد و در نتیجه ایجاد اشتغال پایدار و مولد نبوده است. وی با تأکید بر اینکه وضعیت بازار کار ایران امروز به مراتب بدتر از سال ۱۳۹۷، یعنی قبل از تشدید تحریم و وقوع همه‌گیری کروناست، گفت: آنچه در بازار کار ایران مشاهده می‌شود این است که پس از رفع محدودیت‌های کرونایی تا حدی بازار کار ایران بهبود یافته اما این بهبود در حقیقت بازگشت کسانی به کار است که پیش از این شاغل بودند اما به دلیل محدودیت‌های ناشی از کرونا شغل خود را از دست دادند. وی گفت: این موضوع هیچ ربطی به سیاست‌های دولتی ندارد و در حقیقت هر دولتی سر کار بود، با رفع محدودیت‌های کرونایی با افزایش آمار اشتغال روبه‌رو می‌شد. عزتی با اشاره به پایین بودن مشارکت اقتصادی در ایران نسبت به استانداردهای جهانی و حتی برخی کشورهای همسایه گفت: نرخ مشارکت اقتصادی در سال ۱۳۹۷ برابر با ۴۱ درصد بوده و امروز نیز در همین محدوده قرار دارد. همین امر نشان از آن دارد که با توجه به افزایش جمعیت شاغل در ایران، طبیعتاً ثابت ماندن نرخ مشارکت گواه آن است که بازار کار با افزایش افراد شاغل مواجه نشده است. وی گفت: دولت در حال تغییر تعاریفی است که در برارنده شغل است. یک روز اعلام می‌شود زباله‌گرداها استخدام می‌شوند. روز دیگر



دست‌فروشان در زمره شاغلان قرار می‌گیرند. بر اساس این تعاریف، رانندگان مسافرکش، دوره‌گرداها... همگی شاغل محسوب می‌شوند و به زودی شاهد افزایش شمار شاغلان خواهیم بود. در حالی که این افراد قبلاً همگی کار را می‌کردند و اطلاق عنوان شاغل به آنها تأثیری در تولید ناخالص داخلی ندارد. عزتی تأکید کرد: اگر از آمار و رقم فاصله بگیریم شاید بهتر بتوانیم شرایط اقتصادی را تحلیل کنیم. مادر فضای کنونی با بحران‌های جدی در بخش تولید روبه‌رو هستیم. کافی است گزارش‌های تولیدکنندگان در هر بخش تهیه کنید تا ببینید با چه مشکلاتی روبرو رشتی دست‌وپنجه‌نرم می‌کنند. داستان به همین جا ختم نمی‌شود. حتی در توزیع منابع محدود با یکی نیز بخش مولد دست‌وپنجه‌نرم را دارد و در نتیجه سیاست‌ها در خدمت اشتغال در ایران نیست.

ایرانیانی که فقیرتر می‌شوند، همزمان بیشتر هم مالیات می‌دهند

پیشرفت‌های تریبونی و پس‌رفت‌های واقعی در زندگی



سال‌هاست میزان افزایش دستمزدها از تورم در کشور جا مانده و این امر سبب کاهش قابل ملاحظه قدرت خرید کارگران و افزایش گروه‌های مشمول خط فقر در کشور شده، به نحوی که هم اکنون تنها تمامی حداقل بگیران، بلکه بسیاری از کسانی که تا حدودی بالاتر از این محدوده هستند و تشکیل خانواده داده و صاحب فرزندند نیز در زمره فقرا محسوب شده و توان گذراندن حداقل زندگی را ندارند.

به گزارش اقتصاد ۲۴، در کنار این مساله، بغرنج شدن روزافزون وضعیت معیشتی طبقات مختلف جامعه ایران، به خصوص قشر فرودست و دستمزدبگیر و کارگران نیز روزه افزایش است و در کنار بحران‌های اقتصادی و دستمزددهای پایین، این بار افزایش بی‌محابای مالیات و گسترش روزه‌روز تورم کالاها، اساسی و حتی گاه حذف مدام این کالاها، شرایط اقتصادی دشواری را پیش روی ایرانیان قرار داده است؛ کمالاتی که بر اساس گزارش بانک جهانی، ایران از سال ۲۰۱۸ تاکنون جهش قابل توجهی در زمینه فقر داشته و تعداد افرادی که زیر خط فقر قرار گرفته‌اند، افزایش یافته است.

از سوی دیگر مرکز پژوهش‌های مجلس در خرداد ماه سال ۱۴۰۲ اعلام کرده بود که در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، حدود ۱۱ میلیون نفر به جمعیت فقیر ایران اضافه شده است. همچنین در همین گزارش اشاره شده بود که نرخ فقر از سال ۱۳۸۵ در ایران روند فزاینده‌ای داشته و از سال ۱۳۹۷ به بعد به بالای ۳۰ درصد رسیده که به معنای قرار گرفتن نزدیک به یک سوم جمعیت کشور در زیر خط فقر است.

رشد مالیات و خطر کاهش شدید قدرت خرید مردم
اما خط فقر، به معنای سطحی از درآمد است که حداقل نیازهای ضروری زندگی یک خانوار را تأمین کند و درآمد پایین‌تر از خط فقر نیز «فقر مطلق» خوانده می‌شود که خانوارها و افراد از حداقل درآمد برای تأمین نیازهای ضروری از جمله کالری مورد نیاز روزانه نیز محروم هستند. حال این شرایط در حالی است که گسترش فقر با تشدید فشارهای مالیاتی نیز بر کشور افزوده خواهد شد و فشارهای بیشتری را کشور در همین رابطه باید از سر بگذراند که کمالاتی که «فقر مطلق» خوانده می‌شود در همین رابطه دربارہ رشد مالیات و تشدید تورم‌ها گفته بود: «وقتی قدرت خرید مردم کم شود، عملاً تقاضای بازار هم کاهش پیدا می‌کند. همین امر، زمینه‌ساز رکود می‌شود. قدرت خرید مردم کاهش یافته، یعنی کالا و خدمات در دسترس مردم هست اما آنان نمی‌توانند کالا و خدمات مورد نیاز خود را تهیه کنند. یکی دیگر از اثرات کاهش قدرت خرید مردم کاهش نرخ تشکیل سرمایه است. تولیدکننده‌ای که در حال فعالیت است، سرمایه‌گذاری خود را افزایش نمی‌دهد و افراد جدید هم تمایلی به سرمایه‌گذاری و فعالیت تولیدی ندارند».

مردم هدف اصلی مالیات‌ها هستند
«حسین راغفر» استاد با سابقه اقتصاد دانشگاه الزهراء و پژوهشگر ارشد در حوزه فقر و رفاه اجتماعی در این رابطه معتقد است: به نظر می‌رسد مالیات و درآمدها در کشور ماهیچ تناسبی ندارد و دولت مالیات‌ها را از تولیدکنندگان و کسبه می‌گیرد، سپس این مالیات‌ها به صورت افزایش قیمت‌ها به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود و وضعیت معیشتی کنونی مردم را به علت افزایش تورم بدتر خواهد کرد. به جای این شرایط باید از

طبقه متوسط، نوعاً طبقه‌ای از حقوق بگیران بوده و در حالی که دولت خود را سما تورم را در کنار افزایش حقوق ۲۰ درصدی، بالای ۵۰ درصد اعلام می‌کند، روشن است که آسیب این مسأله متوجه این طبقه خواهد بود

صاحبان ثروت و افرادی که مصرف‌کننده لوکس دارند با نرخ‌های بسیار بالا مالیات گرفته‌شود. او با اشاره به این مسأله که چطور بحران اقتصادی گریبانگیر اتفاقا شهروندانی است که مالیات بیشتری می‌پردازند به اقتصاد ۲۴ می‌گوید: قاعدتاً طبقات محروم و متوسط، بخش قابل توجهی از نیروی کار بخش عمومی را تشکیل داده و با معیار فقر محسوب می‌شوند. مسأله این است که از این طبقات نباید مالیات اخذ شده یا مالیات ماخوذه نباید بر وضعیت معیشتی طبقات پایین جامعه تأثیر بگذارد.

راغفر معتقد است: هر کسی که در این کشور، کار اقتصادی داشته و از مواهب آن بهره می‌برد، باید هزینه مالیات آن را نیز بپردازد. در لایحه مالیاتی که اخیراً دولت به مجلس داده قید شده که نهاد‌های زیر نظر رهبری از شمول این قانون مستثنی هستند. بخش قابل توجهی از اقتصاد کشور همین بخش است و این بنیادها، نهادها و بنگاه‌ها باید مالیات فعالیت اقتصادی خود را بپردازند. نمی‌شود که مالیات صرفاً متوجه بخش خاصی از فعالان اقتصادی یا مردم باشد. معافیت‌ها به صورت یارانه‌های گسترده‌ای است که دولت به بسیاری از تولیدکنندگان می‌پردازد. فقط در سال ۱۴۰۰، یکی از شرکت‌های فولادی، ۱۰۸ هزار میلیارد تومان سود داشته و این در حالی بوده که به صورت هم‌زمان، این شرکت منابع بزرگی را مثل نفت، گاز یا برق ارزان از دولت دریافت می‌کرده است. این شرکت بالغ بر ۵۸ هزار میلیارد تومان در آن سال بین سهامداران خود تقسیم کرده و دولت باید سهم خود را از آن دریافت می‌کرد.

معافیت‌های مالیاتی عجیب برای نور چشمی‌ها
این استاد دانشگاه با اشاره به معافیت‌های مالیاتی بی‌قاعد در کشور می‌گوید: نزدیک به ۴۰۰ هزار میلیارد تومان، یارانه حمایت از صنایع انرژی بر دوش کشور است که عمدتاً متعلق به شرکت‌های خصولتی است. دولت، معافیت‌های مالیاتی گسترده‌ای به این دسته از شرکت‌ها داده و به اسم سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها از پرداخت مالیات معاف شده‌اند. فساد بزرگی در این بخش شکل گرفته و برای سرمایه‌گذاری‌های خود، بسترسازی می‌کنند. در موارد متعددی به اسم تشویق

صادراتی معاف از مالیات شده‌اند و بسیاری از شرکت‌های وابسته به نهادهای خاص نیز مالیاتی نمی‌پردازند. نکته دیگر اینکه مالیات در شرایط کنونی کشور، نه از تولیدکننده بخش خصوصی بلکه باید از صاحبان سرمایه و دارایی گرفته شود. همه این موارد سبب شده تا کسری بودجه دولت زیاد شده و در کنار مالیات‌ها، افزایش حامل‌های انرژی و همچنین ارز را که شاهد هستیم و در حوزه حامل‌های انرژی نیز، بخش‌هایی نظیر افزایش نرخ هزینه گاز خانگی افزایش یافته است. این در حالی است که بنزین نیز به زودی به این وضعیت اضافه خواهد شد.

افزایش مالیات هیچ تأثیری بر زندگی مردم نداشته است

این استاد اقتصاد دانشگاه و پژوهشگر اقتصادی در ادامه با تأکید بر مسأله دریافت مالیات از لوکس‌ها و لاجری‌های می‌گوید: مالیات باید بر ثروت و کالاهای لوکس متمرکز شده و از هزینه‌ها و تجملات تعفن‌آوری نظیر سرو بستنی با روکش طلا و امثالهم، مالیات‌های گزاف اخذ شود. منتها متأسفانه نظام مالیاتی ما به این بخش‌ها توجهی نداشته و قادر به صد آنها هم نیست. به همین دلیل روی نقاطی دست می‌گذارد که امکان تحقق آن برای نظام مالیاتی سهل‌تر است. آسیب‌های این شیوه اخذ مالیات در کشور در سال آینده منجر به افزایش قیمت‌ها شده و هزینه‌های زندگی مردم را افزایش خواهد داد. در پی این شرایط، وضعیت معیشتی بغرنج بخش‌های محروم جامعه نیز بدتر خواهد شد. در چنین شرایطی که جامعه در حال دادن مالیات، پیش از دریافت دستمزدها بوده و از تهیه هر مایحتاجی برای دولت، درآمد مالیاتی ایجاد می‌کند، ناگهان شاهد هستیم که بودجه نهادهای همچون صداوسیما، ناگهان تا ۲۴ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا می‌کند. این مسأله، قطعاً بر افکار عمومی جامعه، آثار بسیار منفی خواهد داشت.

راغفر با اشاره به اینکه چطور این روند مالیات‌گیری و در مقابل هزینه‌کرد نایب‌سامان آن در بودجه می‌تواند واکنش شدید اجتماعی ایجاد کند، می‌گوید: وقتی مردم می‌بینند که این منابع به جیبی سقوف یافته که هیچ تأثیری در زندگی آنها ندارد، این مسأله جامعه را برآشفته کرده و انگشت اتهام افکار عمومی به سمت دولت خواهد بود.

طبقات محروم و متوسط، بخش قابل توجهی از نیروی کار را تشکیل داده و با معیار فقر محسوب می‌شوند. از این طبقات نباید مالیات اخذ شود یا مالیات ماخوذه نباید بر وضعیت معیشتی آنها تأثیر بگذارد

طبیعی است که این مسأله، منجر به افزایش نارضایتی در جامعه شده و این نارضایتی‌ها در اشکال مختلف خود بروز خواهد داد. در این بین، طبقه متوسط به شکل مرتب کوچک‌تر شده و بسیاری از افراد از این طبقه به طبقات پایین سقوط کردند. طبقه متوسط، نوعاً طبقه‌ای از حقوق‌بگیران بوده و در حالی که دولت خودش رسماً تورم را در کنار افزایش حقوق ۲۰ درصدی، بالای ۵۰ درصد اعلام می‌کند، روشن است که آسیب این مسأله متوجه این طبقه خواهد بود.

رابطه افزایش مالیات‌ها و گسترش فقر

راغفر ادامه می‌دهد: وقتی دستمزدها به شدت کمتر از نرخ تورم افزایش پیدا می‌کند، اولین قربانیان آن، همین طبقه متوسط خواهد بود. این مسأله، موجب می‌شود که سبب مصرف این طبقه به شدت کوچک‌تر می‌شود. همین مسأله سبب شده تا بسیاری از خانوارهای طبقه متوسط به زیر خط فقر سقوط کنند. البته، خط فقر از شهری به شهری و از استانی به استانی دیگر، تغییر می‌کند اما قطعاً برای یک خانواده چهار نفره تهرانی مستاجر، خط فقر به بیش از ۳۵ میلیون تومان رسیده است. متأسفانه به دلیل ناتوانی خانواده‌های طبقه متوسط، نارضایتی‌های گسترده به وجود آمده و آنها در تأمین نیازهای اساسی خود دچار مشکلات جدی هستند، امری که باید آن را یکی از دلایل اصلی مهاجرت‌های گسترده و دیگر مسائل این چنینی دانست.

این استاد دانشگاه در پایان به وعده‌های مسئولان اشاره کرده و می‌گوید: در چنین وضعیتی، متأسفانه مسئولان مدام از پیشرفت سخن می‌گویند و این در حالی است که مردم این پیشرفت را باور ندارند. مردم تصور دارند که مسئولان احتمالاً نسبت به وضعیت معیشتی آنها بسیار ناگاه بوده و به همین دلیل نیز، مباحثی از سوی آقایان مطرح می‌شود که هیچ تناسبی با واقعیت‌های زندگی مردم ندارد. این دست موضع‌گیری‌ها سبب بی‌اعتمادی مردم و جامعه به مسئولان خواهد شد.



اطلاعات کاربر در معرض خطرهای مختلفی باشد. چنانچه در تجربه‌های گذشته مرتب با تلگرام و هک شدن برخی از این پوستهای حجم قابل توجهی از اطلاعات کاربرهای تلگرام افشا شد. در نهایت همانی است که ابتدا گفتیم؛ کاربران حق دارند نگران حریم خصوصی و امنیت اطلاعات و ارتباطات‌شان باشند. حتی طبیعی. آن‌ها یک قدم از حاکمیت و رسانه‌ها... جلوترند و زودتر ترس را احساس می‌کنند.

خطراتی برای کاربران ایرانی
در نهایت این که، استفاده از این دست سامانه‌ها قطعاً خطراتی برای کاربران ایرانی خواهد داشت؟ می‌لاد نوری، برنامه‌نویس در این مورد به «انتخاب» می‌گوید: «چنین کاری باعث می‌شود اطلاعات کاربرهای تلگرام، علاوه بر سرورهای اصلی سرویس دهنده خارجی، در سرورهای واسطه هم ذخیره شود که این مورد حریم خصوصی و حقوق کاربران را به شدت نقض می‌کند و باعث می‌شود امنیت

چرا اغلب کاربران اعتمادی به مصوبه اخیر شورای عالی فضای مجازی ندارند؟

نامنی در فضای غیر شفاف «پوسته‌های داخلی»

ابراهیم فاطمی

ماجرا باشد؛ اعتراف رسمی به شکست، بدون این که عقب‌نشینی نکند!

تکرار تجربه تلخ موبوگرام
اما در نهایت، این که کارشناسان خارجی ظاهراً دارند راحت‌تر از این ماجرا صحبت می‌کنند؛ چون خط قرمزی در این زمینه ندارند. کل نکته‌هایی هم که به آن اشاره کرده‌اند این است که کار، چیزی شبیه به تلگرام تلای و موبوگرام... خواهد بود؛ که زمانی مردم مورد استفاده قرار می‌دادند و دل‌شان خوش بود که خبری از فیلترتینگ نیست. و باز هم به زبان ساده‌تر یعنی، بالا آوردن نسخه‌هایی فیک از سرویس‌های رایج بین‌المللی که طبیعتاً نامن بودن، خصیصه اول‌شان است.

کدام رف فیلتر؟
به واقع به خلاف چیزی که برخی گفته‌اند، خبری از رف فیلتر نیست، بلکه ایجاد نسخه‌ای دیگر و غیر قابل اتکا و البته غیر شفاف از همان سرویس‌هاست. فراموش نباید کرد که همان تلگرام تلای و... راهم بعد‌ها برخی مسئولان گفتند که به دستور نهادهای امنیتی و برای نظارت آن‌ها بوده است. به واقع قصه

انتخاباتی چندان که باید، دیده‌نشده به این ترتیب که این شورادستور داده شرایطی فراهم شود تا ایرانیان، به پوسته‌های داخلی پلتفرم‌های خارجی دسترسی داشته باشند. نکته این جااست که این پلتفرم‌ها در داخل فیلتر هستند، و حال‌آمر می‌شود که باید دسترسی به آن‌ها برای راحتی مردم فراهم شود. در نهایت یک موقعیت عجیبی ایجاد شده است. اگر فلسفه فیلترتینگ درست باشد، چرا باید رف شود؟ اگر قرار است راهی برای رف‌شان ایجاد شود، چرا باید فیلتر باشند؟

شکست رسمی فیلترتینگ؟
شاید قصه همان است که برخی از کاربران گفته‌اند؛ اعلام رسمی شکست بر نامه فیلترتینگ. وقتی که آمار ایرانی‌های تلگرام از ۵۰ میلیون گذشته باشند و مجموعاً ۳۲ میلیون ایرانی هم در اینستاگرام و واتس‌آپ و توئیتر باشند، مشخص است که این سیاست شکست خورده، وقتی که اعتماد کاربران به پلتفرم‌های خارجی بیشتر باشد، این یعنی شکست بر نامه‌های رسمی؛ حتی اگر ادعا کنند که اطلاعات کاربران را امن نگه خواهند داشت. پس این نیز، می‌تواند گونه‌ای دیگر از نگاه به این

یک شوخی رایج بین مردم وجود دارد: «با سلام به ناظران محترم و سلام خدمت شما، پیام من چنین است.» این شوخی ناشی از این است که مردم معتقدند در پیام‌رسان‌های داخلی، افرادی پیام‌ها را ارتباطات‌شان را کنترل می‌کنند و در نتیجه برای شوخی هم که شده، سلامی به آن‌ها می‌دهند؛ مثلاً می‌گویند فلان چیز بین ما نفر باشد، زانی که سامانه‌هایی چون تلگرام تلای و موبوگرام... هم رفتار، باز هم مردم چنین عقیده‌ای داشتند؛ «تصّب نکنید، برای امنیتی‌هاست.» ظاهراً چنین نسخه‌هایی، اساساً برای جمع‌آوری اطلاعات تدارک دیده شده‌بودند. طبیعتاً نهادهای امنیتی دسترسی به پلتفرم‌های خارجی ندارند. اما دست‌شان در این مورد باز تر است. پس بهتر است که بخشی از ارتباطات را به صورت کنترل شده آزاد بگذارند تا اطلاعات بیشتری به دست بیآورند؛ کاملاً عقلانی است.

اصل قصه چیست؟
دوروز پیش شورای عالی فضای مجازی خبری جنجالی منتشر کرد که البته در لایه‌های دعوای